



## موارد رفع مسئولیت بائع و مشتری با تطبیق در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا

میترا خداپناهی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

### چکیده

سازوکار ساده عقد بیع به لحاظ مشخص بودن وظایف بائع و مشتری به جهت آنکه عقدی از نوع معوض بوده، همواره مورد توجه نظام های حقوقی و کنوانسیون های تجاری قرار دارد. بنابراین مسئولیت طرفین عقد بیع در اجرای تعهدات امری بدیهی است و از آنجایی که در عقد بیع، بائع ملزم به در اختیار گذاشتن مبیع به مشتری و او نیز ملتزم به پرداخت ثمن و در اختیار گذاشتن آن به بائع می باشد، مطالعه حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این موضوع پرداخته که در پاره ای از مواقع شرایطی حادث می گردد که بر اساس آن علیرغم عدم انجام تعهدات، مسئولیتی بر بائع و مشتری حاکم نبوده و علیرغم عدم اجرای تعهد، خسارتی در این خصوص پرداخت نمی گردد. قانونگذار در نظام حقوقی ایران به مصادیق ایجاد رفع مسئولیت و عدم پرداخت خسارت در مواد 227 و 229 قانون مدنی اشاره شده است. همچنین در کنوانسیون بیع بین المللی نیز به موضوع عدم مسئولیت بائع و مشتری در مواد 79 و 80 اشاره گردیده است. از جمله وجوه اشتراک در این دو قانون می توان به توجه به قوه قاهره (فورس ماژور) اشاره نمود هر چند که به لحاظ افتراقی نیز قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی به موضوع وجود شرایط خاص (هاردشیپ) اشاره داشته است که البته مصادیق مترادف آن در نظام حقوقی ایران که می تواند شامل عسر و حرج باشد نیز به عناوین مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قوه قاهره، بائع و مشتری، رفع مسئولیت، کنوانسیون بیع بین المللی

## مقدمه

عقد بیع را باید یکی از مهمترین روش های رفع حوائج و نیازهای انسان از قدیم الایام تاکنون دانست. استفاده آسان، شفافیت در جزئیات در روش های اجرای آن و عدم نیاز به تخصصی خاص، موجب شده تا عقد بیع به عنوان پرکاربردترین عمل حقوقی بین اشخاص مورد توجه و استمرار قرار گیرد. زیرا ماهیت عقدبیع خود به صورت بالقوه نهادهایی همچون مالکیت و ملکیت را نیز در حوزه شمول خود قرار داده و اشخاص را ملزم می نمود که به این دو نهاد نیز در بین یکدیگر احترام بگذارند. هر چند که اصولاً با درک صحیح ملکیت از سوی انسان و استفاده از ابزارهای معاملاتی به شکل معاوضه، یک رابطه اعتباری بین شخص و مال ایجاد گردید که استمرار آن تا به امروز موجب شده، تا انسان ها، به صورت روزانه، هفتگی اقدام به یک معامله در قالب بیع انجام دهند. بنابراین افراد جامعه، نیازهای یکدیگر را با انجام معاملات بیع، از یکدیگر رفع نموده و همین امر نهاد بیع را به عنوان یکی از مهمترین نهادها در حوزه تجارت تبدیل نموده است و موجب شده تا علاوه بر قوانین و مقررات داخلی هر کشور بر نحوه اجرای آن، در سطح بین المللی نیز اقداماتی در راستای قانونمند نمودن فرایند آن صورت پذیرد. لذا نیاز روز افزون بشر به این نهاد ساخت بشر، موجب شد تا به جهت مقابله با خدشه دار شدن نظم عمومی در جامعه، قواعد و قوانینی از سوی نظام های حقوقی بر آن حاکم گردد تا ضمن حمایت از متبایعین، وظایف و الزاماتی را برای طرفین بیع مشخص نموده که آنها را ملزم به اجرای آن نمایند و تا زمانی که طرفین نسبت به مسئولیت خود در اجرای قواعد فوق کوشا نباشند، فرایند عقد بیع کامل نشده و با اشکالاتی مواجه خواهد بود. لذا قانونگذار در نظام حقوقی ایران قواعدی را به عنوان تعهدات بر ذمه بایع و تعهداتی را نیز بر ذمه مشتری قرار داد تا با رعایت و انجام آن، مسئولیتی گریبان طرف ناقض عقد را نگیرد. بنابراین برخی از عوامل بالقوه می توانست موجب رفع مسئولیت بایع و مشتری در عقد بیع گردد به نحوی که برخی از مصادیق آن به صورت کلی در کنوانسیون بیع بین المللی نیز مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته است. با این وصف سوالی که می تواند به ذهن متبادر گردد این است که مصادیق رفع مسئولیت بایع و مشتری در نظام حقوقی ایران کدام است؟ و اصولاً قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی نیز به کدام مصادیق تاکید ورزیده است؟ و آیا در مصادیق قوانین داخلی و کنوانسیون بیع بین المللی تمایزی قابل مشاهده است یا خیر؟ بنابراین تلاش گردید تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به موضوع پرداخته شود.

## 1- مفاهیم و مبانی

جهت بررسی موضوع ابتدا لازم است تا نسبت به بیان مفهومی برخی از واژگان اشاره ای اصطلاحی شده تا نسبت به ورود به بحث اصلی اقدام گردد

### 1-1- عقد بیع

قانونگذار ایران در ماده 338 بیع را عبارت از تملیک عین به عوض معلوم دانسته است. که البته در ماده 339 ق.م. لزوم بیع صحیح را توافق بایع و مشتری در قیمت و همچنین وقوع ایجاب و قبول دانسته است. در کنوانسیون بیع بین المللی، علیرغم اینکه ماهیت وجودی آن در راستای بیع کالا می باشد اما از ارائه تعریفی مشخص از بیع امتناع نموده است. هر چند که در ماده 2 کنوانسیون، قانونگذار برخی از معاملات را از حوزه شمول بیع خارج نموده است و در واقع می توان به این نتیجه دست یافت مفهومی که از بیع در مقصود قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی می توان استنباط نمود مصادیقی غیر از بیع به وسیله حراج، بیع ناشی از اجرای قانون و بیع به حکم قانون و بیع سهام و حتی بیع کشتی و سفاین مختلف (صفایی، 1401).

## 2-1- وجوه اشتراک و افتراق مفهوم بیع

با این وصف از مفهوم ماده 30 کنوانسیون بیع بین المللی نیز می توان به این نتیجه دست یافت که بر خلاف قوانین ایران، از نگاه قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی، بیع را نمی توان به عنوان یک عقد تملیکی به آن صورت که در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گرفته، دانست. بنابراین به نظر می رسد در مفهوم بیع از نگاه کنوانسیون، آنچه می تواند معنا شود، معاوضی بودن عمل طرفین می باشد.

## 3-1- بایع و مشتری

در قانون مدنی و کنوانسیون بیع بین المللی تعریفی از بایع (فروشنده) و خریدار ارائه نشده است. ولی واژه بایع را باید در واقع اسم فاعلی دانست که از زبان عربی به فارسی ورود نموده است و معادل آن در زبان فارسی (فروشنده) می باشد. با این وصف به لحاظ مفهومی بایع را شخصی دانسته اند که طرف ایجاب محسوب می گردد از منظری دیگر، اگر شخصی به مقدار بیشتری از طرف دیگر نسبت به قصد انشاء خود اظهار نظر نماید را می توان باید دانست (لنگرودی، 1395: 185). اما از آنجایی که واژه بایع از زبان عربی به فرهنگ فارسی ورود نموده، باید به مفهوم آن از نگاه فقهای امامیه نیز نگریست زیرا قوانین حقوقی ایران اثرپذیری از قوانین فقه اسلامی داشته است.

برخی از فقها معتقدند که؛ شخصی که بیع را مورد انشاء قرار می دهد را باید بایع محسوب نمود (کیایی، 1376)

قانونگذار در مواد 345 الی 347 قانون مدنی به طرفین معامله اشاره داشته، اما از ارائه تعریفی در این خصوص امتناع نموده است. در تعریف مشتری نیز که در واقع اسم فاعل می باشد همچون بایع از زبان عربی به فارسی وارد شده و کلمه معادل آن را باید خریدار دانست. از نگاه یکی از فقهای اسلامی، مشتری در واقع کسی است که ایجاب بیع از سوی بایع را مورد پذیرش (قبول) قرار می دهد (خویی، 1412)

در کنوانسیون بیع بین الملل نیز قانونگذار بایع را کسی دانسته که مالکیت کالا تا قبل از عقد بیع با او بوده و مشتری کسی است که تمایل به خرید و رفع نیاز خود از مال در نزد بایع را دارد

## 4-1- وجوه افتراق و اشتراک مفهوم بایع

در برداشت از مفهوم مشتری بین نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین الملل، وجه افتراقی مشاهده نشده است و برداشت مشترک هر دو نهاد حقوقی، از مفهوم بایع و مشتری همسان به نظر می رسد.

## 2- ماهیت عقد بیع

در بیان ماهیت عقد بیع باید آن را فرایندی دانست که بر اثر آن مالی از سوی بایع به مالکیت مشتری در خواهد آمد و در این فرایند انتقال مالکیت، از سوی مشتری نیز ما به ازایی به بایع پرداخته شده که به مالکیت او خواهد آمد. بنابراین در یک نگاه کلی می توان به این نتیجه رسید که عقد بیع را باید معوض دانست، زیرا در آن خریدار به عوض دستیابی به مالکیت موضوع عقد، ثمن معامله را نیز به مالکیت بایع در خواهد آورد. همچنین محور دومی که در عقد بیع می تواند مورد توجه قرار گیرد موضوع مالکیت است. بنابراین اگر عوضی در میان نباشد و یا مالکیتی صورت نپذیرد، فرایند انجام شده نمی تواند به عنوان عقد بیع معنا گردد. با توجه به فرایند فوق می توان به چهار نوع از عقود بیع اشاره نمود که عبارتند از:

در وضعیت اول، حالتی را می توان مشاهده کرد که در آن عوض و معوض هر دو حال باشند. بنابراین در چنین وضعیتی که یکی از خصیصه های بارز و متداول در عقد بیع می باشد، مبیع در حال حاضر موجود بوده و ثمن معامله

نیز از سوی مشتری قابل تسلیم شدن به بائع می باشد این چنین عقدی را عقد بیع نقد نامیده‌اند که البته در نظام حقوقی ایران، اصل بر نقد بودن عقد بیع است مگر در حالتی که طرفین با توافق یکدیگر موعدی بر آن تعیین نمایند. در وضعیت دوم، بائع توانایی تحویل مبیع را به صورت حال نداشته و اجلی را برای آن تقاضا می‌نماید در حالی که مشتری آمادگی کامل برای پرداخت عوض (ثمن) را داشته و به عبارتی ثمن او حال می باشد که این نوع از عقود بیع را بیع سلم یا سلف نام نهاده اند از مصادیق بارز آن در جامعه کنونی ایران، پیش خریدهایی است که مردم نسبت به خرید اتومبیل انجام داده و مبلغ خودروبی را که هنوز تولید نشده را پرداخت می‌کنند.

در وضعیت سوم نقطه مقابل وضعیت دوم است یعنی اینکه بائع توانایی تسلیم مبیع را داشته ولی مشتری به جهت پرداخت ثمن و به مالکیت در آوردن آن به وسیله بائع، از او اجلی را اخذ می کند که این نوع از عقد بیع را بیع نسبه نام نهاده اند. به مانند آنکه مشتری در موضوع عقد بیعی که مکلف به پرداخت ثمنی معین است، تعهد خواهد داد تا در ظرف معینی که با رضایت بائع خواهد بود، ثمن معامله را پرداخت نماید (کیایی، 1376)

و وضعیت چهارم در اقسام عقد بیع که بر اساس آن بائع و مشتری در زمانی معنی که بر آن توافق می‌نمایند و محور عقد بر آن استوار می شود، نسبت به مالکیت در آوردن مبیع و ثمن معامله به تعهدات خود عمل می نمایند. این نوع از عقد بیع را نیز کالی به کالی نام نهاده اند. این نوع عقد در ماده 341 قانون مدنی ایران مورد تاکید واقع شده است.

یکی از نکات مهم و برجسته در موضوع عقد بیع آن است که کلیه اقسام عقد بیع که به آن اشاره گردید باید تابع یک شرایط مهم باشند، به عبارت دیگر این شرایط موجب می‌شود تا عقد بیع وضعیتی صحیح و کالبدی مشخص به خود گرفته تا بتوان به صحت سقم عقد مذکور استناد نمود. قانونگذار شرایط فوق را در ماده 342 قانون مدنی مورد اشاره قرار داده است. از نگاه ماده فوق، مقدار، جنس و وصف مبیع باید کاملاً معلوم بوده و معیارهای عرفی رایج در جامعه در خصوص تعیین وزن و خصیصه های مبیع، با توجه به عرف بلد به راحتی صورت پذیرد. بنابراین واضح است که اگر یکی از خصیصه های فوق مثلاً جنس، مبیع مشخص نباشد یا تعیین جنس آن امکان پذیر با معیارهای عرفی صورت نپذیرد، نمی‌تواند عقد بیع به آن اطلاق نمود

آنچه به عنوان ماهیت عقد بیع می‌توان از کنوانسیون بیع بین المللی برداشت نمود این است که از نگاه کنوانسیون، عقد بین را باید رضایت طرفین در اجرای یک فرایند معاملاتی در نظر گرفت به نحوی که این رضایت باید کاملاً روشن و بدون ابهام باشد و لذا حسن نیت در ابراز رضایت در عقد بیع یکی از مصادیق بسیار مهم محسوب می‌شود (اسخالتریم و اسخاوینز<sup>1</sup>، 2010) از نگاه کنوانسیون بیع بین المللی، عقد بیع را باید عقدی دانست که بدنبال انعقاد آن، تعهدات قانونی و الزام آور ایجاد می‌نماید که در نتیجه باعث می شود که یک قرارداد به طور همزمان برای طرفین به اجرا در آید (الیسون<sup>2</sup>، 2007).

با نگاهی به ماده 18 کنوانسیون بیع بین المللی می‌توان به این نتیجه دست یافت که شرایط توافق بین طرفین باید به گونه‌ای تفسیر شود که شامل اصطلاحات و کاربردهای تجاری و رویه های طرفین باشد. همچنین با توجه به مفاد ماده 11 قانون کنوانسیون بیع بین المللی، الزامی به قرارداد کتبی فروش کالا نخواهد بود و به عبارت دیگر هیچ الزام دیگری نیز برای اشکال دیگر قرارداد از نگاه قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی وجود ندارد. البته این شامل مفاد ماده 92 کنوانسیون نخواهد شد (سیسگو<sup>3</sup>، 2015).

<sup>1</sup> - Schelchtriem & Schwenzer

<sup>2</sup> - Allison

<sup>3</sup> - Cisgw

## 1-2- وجوه افتراق و اشتراک ماهیت عقد بیع

در نظام حقوقی ایران قانونگذار به موضوع ماهیت عقد بیع به مراتب نگاه گسترده تری به نسبت کنوانسیون داشته است. و دلیل این امر را باید در این موضوع دانست که کنوانسیون تلاش نموده تا خط مشی های کلی را مدنظر قرار دهد. اما از وجوه اشتراک بین کنوانسیون و نظام حقوقی ایران می توان به موضوع تاکید بر رضایت طرفین عقد و همچنین اجرای الزامات و تعهدات از سوی طرفین عقد می باشد که مورد توجه هر دو نهاد حقوقی قرار گرفته است.

## 3- عوامل عدم احراز مسئولیت بایع و مشتری

عوامل مختلفی می تواند در عدم احراز مسئولیت یا رفع آن در قراردادهای بیع موثر واقع شود که به شرح زیر می باشند

### 1-3- قوه قاهره

واژه فورس ماژور یک اصطلاح فرانسوی است که ظاهراً برای نخستین بار در قانون مدنی فرانسه به کار رفته و سپس در کشورهای دیگر همین لفظ یا ترجمه آن معمول شده است. این نظریه به طور خلاصه حاکی از آن است که یک قرارداد ممکن است به این علت که اجرای آن به دلیل حادثه ای چیره گر که به طور معمول برای طرفین قرارداد غیر قابل پیش بینی بوده است ناممکن شده به تشخیص دادگاه منحل یا معلق تلقی گردد. (صفایی، 1389)

قوه قاهره عبارتست از حادثه ای ناگهانی و گریز ناپذیر که قابل انتساب به شخص مورد نظر نباشد هرگاه در اثر چنین حادثه ای، اجرای تعهدی کاملاً ناممکن شود و یا ضرری به دیگران وارد گردد اجرای تعهد متوقف و آن شخص معاف از مسئولیت (مدنی یا جزایی) خواهد شد.

از ناگهانی بودن قوه قاهره که از آن به عدم قابلیت پیش بینی هم تعبیر می شود به روشنی پیداست که حادثه مورد نظر باید پس از انعقاد قرارداد به وجود آمده و مانع اجرای مفاد آن گردد. بنابراین هرگاه حادثه و مانع مورد نظر از ابتدا وجود داشته باشد داخل در تعریف قوه قاهره نخواهد بود. علاوه بر این اثر وجود مانع در این دو حالت نیز متفاوت است. تاثیر مانعی که از ابتدا و به هنگام تشکیل قرارداد وجود داشته، بطلان عقد است قرارداد در چنین حالتی اصولاً منعقد نمی شود و نمی تواند منشاء پیدایش تعهدی باشد حتی اگر طرفین از وجود آن مانع ناآگاه بوده و یا در ارزیابی آن اشتباه کرده باشند. این در حالی است که قوه قاهره، یعنی مانعی که بعد از ایجاد تعهد پیدا می شود تنها موجب تعلیق یا انحلال قرار داد است قراردادی که قبلاً و به طور صحیح منعقد شده است. (اسماعیلی، 1381)

شرط کاهش مسئولیت ممکن است قوه قاهره را به نحو وسیعی تعریف کند مثلاً غیر قابل پیش بینی بودن را از شرایط قوه قاهره حذف کند. بدین سان وقوع حادثه خارجی غیر قابل دفعی که منتظر بوده است مدیون را از مسئولیت ها رها می کند به زبان دیگر کافی است مدیون خارجی بودن حادثه و غیر قابل دفع بودن آنرا برای رهایی از مسئولیت ثابت کند. در فرضی که غیر قابل دفع بودن از شرایط قوه قاهره حذف می شود اگر اجرای قرارداد به جهت وقوع یک حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی بی نهایت دشوار شود بی آنکه ناممکن گردد مدیون هم از اجرا و هم از مسئولیت در امان می ماند. (ایزانلو، 1393)

### 1-3-1- در حقوق ایران

در قانون مدنی ایران مواد 227 و 229 اوصاف قوهی قاهره را برشمرده است. از مادهی 227 وصف خارجی بودن قوهی قاهره و از مادهی 229 وصف غیر قابل دفع بودن آن استنباط می شود. یکی دیگر از اوصاف قوهی قاهره این است که حادثه موردنظر غیر قابل پیش بینی باشد که هرچند این وصف صریحاً در قانون مدنی ذکر نشده است ولی می توان آن را از قانون استنباط کرد. بنابراین متعهدی که به تعهد خود عمل ننموده است باید

بتواند با استناد به قوهی قاهره خود را از مسئولیت رها سازد باید وجود شرایطی را ثابت نماید که در نظامات حقوق داخلی و حقوق بین المللی آن را بدین ترتیب ذکر کرده اند:

**الف خارجی بودن قوه قاهره:** برخی در تأیید آن گفته اند که منظور از خارجی بودن، آن است که حادثه را نتوان به نحوی منتسب به متعهد دانست. لذا هرگونه حادثه ای که قابل انتساب به متعهد نباشد و لو این که در حیطه فعالیت او رخ دهد، خارجی محسوب می شود. اما خارجی بودن همیشه ملازمه با عدم مداخله فعل متعهد در وقوع حادثه ندارد. به عبارت دیگر، چه بسا متعهد در عدم اجرای تعهد دخالت نداشته باشد ولی باز هم از مسئول تعهد باشد. البته با این که لزوم خارجی بودن حادثه ای که قوهی قاهره به شمار می رود، مورد قبول اکثر علما واقع شده است. در نوشته های برخی نویسندگان حقوقی بدان اشاره نشده است و فقط گفته شده که حادثه ناگهانی یا قوهی قاهره باید غیر قابل پیش بینی باشد. ولی به نظر می رسد که بداهت این شرط، این گونه نویسندگان را بی نیاز از ذکر آن نموده است و الا شکی نیست که قوهی قاهره به شمار می رود و بایستی قابل انتساب به متعهد نباشد. البته گاهی متعهد در عدم اجرای تعهد تقصیر دارد اما تقصیر وی آن قدر جزئی است که در مقابل مانع خارجی، بسیار ناچیز بوده و برعکس، مانع، آن چنان شدید است که تقصیر ارتكابی از جانب متعهد نادیده انگاشته می شود. در این صورت، عادلانه آن است که پذیرفته شود مانع خارجی از اجرای تعهد جلوگیری کرده است و تقصیر متعهد نقشی در آن نداشته است (کاتوزیان، 1402)

برخی نویسندگان حقوق، قوهی قاهره را حادثه ای می دانند که غیر قابل پیش بینی باشد و متعهد، قدرت بر دفع آن را نداشته باشد. (سماواتی، 1400) برخی از وصف غیر قابل احتراز سخن گفته اند و آن را امری می دانند که نمی توان پیش بینی نمود. طبق مادهی 227 ق.م. متعهد متخلف از انجام تعهد وقتی به تأدیه خسارت محکوم می شود که نتواند ثابت کند عدم اجرای تعهد به واسطه علت خارجی بوده که نمی توان مربوط به او نمود. (کاتوزیان، 1402)

**ب- غیر قابل پیش بینی بودن:** ملاک قابل پیش بینی بودن نیز زمان انعقاد قرارداد (در مسئولیت مدنی) یا زمان وقوع حادثه زیان بار (در مسئولیت قهری) است. همچنین برخی از نویسندگان حقوقی در زمینه غیر قابل پیش بینی بودن، رفتار شخص متعارف را در نظر گرفته اند و متعهد را در صورتی از مسئولیت معاف می دانند که مانع اجرای تعهد از امور باشد که عموماً قابل پیش بینی نباشد و الا در صورتی که مانع، عموماً قابل پیش بینی بوده ولی متعهد بر اثر اهمال یا بی احتیاطی یا بی تجربگی آن را پیش بینی نکرده باشد، مسئول خسارات وارده ناشی از عدم انجام تعهد می باشد. زیرا اهمال کاری، بی احتیاطی و به طور کلی، تقصیر متعدد نباید موجب تضرر متعهدله گردد. (امامی، 1403)

در ماده 227 قانون مدنی تنها علت معاف کننده از مسئولیت علت خارجی غیر مرتبط با متعهد است. از جمله مقدمات برای فقدان ارتباط مانع با متعهد غیر قابل دفع بودن آن است. امکان پیش بینی حادثه خسارت زا یا واقعه مانع از ایفای تعهد یکی از شرایط لازم برای اجتناب از آن است و اغلب حقوقدانان نیز آن را شرط لازم برای تحقق علت معافیت از مسئولیت دانسته اند.

اگر مانع از ایفای تعهد در لحظه انعقاد قابل پیش بینی بوده و متعاقد با علم به عدم قدرت بر دفع آن مانع مبادرت به انعقاد قرارداد نماید بر خلاف حسن نیت عمل نموده و مقصر است.

هنگامی که طرفین بتوانند وجود حوادثی را که می تواند در آینده منجر به غیر ممکن شدن قرارداد یا مشقت بار شدن آن بینجامد پیش بینی نمایند، موظفند تدابیر لازم جهت مصون ماندن از نتایج آن را در نظر گیرند و یا از انعقاد آن پرهیز نمایند.

غیرقابل پیش‌بینی بودن به این معنا نیست که حادثه قبلاً هیچ‌گاه واقع نشده باشد همه حوادثی که تازگی ندارند به یک معنی غیرقابل پیش‌بینی هستند. قابلیت پیش‌بینی کلی و مجرد در اینجا مورد نظر نمی‌باشد، حادثه هنگامی غیرقابل پیش‌بینی است که علت خاصی برای تصور پیش‌آمدنش وجود نداشته باشد. مثلاً زلزله‌ای که در ناحیه زلزله‌خیز نبوده است حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی تصور می‌شود که وقوع آن غیرعادی و ناگهانی است.

ج- غیر قابل دفع بودن: یکی از ویژگی‌های لازم برای آن‌که علت خارجی اثر معاف‌کنندگی داشته باشد غیرقابل دفع بودن آن است. چنانچه حادثه‌ای مانع از ایفا تعهد ممکن‌الدفع بود و متعهد به دفع آن توفیق نیافته باشد مرتکب خطای بی‌مبالاتی شده است. زیرا خنثی کردن مانع و پیشگیری از تأثیر آن از مقدمات تکلیف است و انجام مقدمات تکلیف مانند خود تکلیف بر متعهد لازم می‌باشد.

اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه را برخی شرط غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه می‌دانند چراکه معتقدند علت وجودی شرط عدم امکان پیشگیری، عدم امکان پیش‌بینی است. بنابراین طبیعی است که اگر حادثه‌ای قابلیت پیش‌بینی را نداشته اما قابل پیشگیری توسط متعهد باشد نخواهد توانست علتی برای معافیت باشد بعلاوه شخصی که علی‌رغم امکان جلوگیری از حادثه به مقابله با آن نمی‌پردازد و سعی و تلاش خود را برای آن بکارنمیگیرد نمی‌تواند مدعی حسن نیت باشد.

هرگاه حادثه‌ای در حال تکوین باشد که می‌تواند مانع از انجام یا مشکل شدن آن شود متعهد باید نهایت کوشش خود را انجام دهد تا حادثه باعث نتیجه اشاره نگردد و در صورتی که چنین امکانی را داشته و از ایجاد مانع در راه واقعه مورد نظر کوتاهی نماید مسئول خسارات وارده خواهد بود.

در واقع، منظور تعهد نداشتن متعهد نسبت به امری غیرممکن است. طبق این معنا می‌توان در صحت استناد به آن به مواد 229 قانون مدنی استناد نمود براساس ماده 229 قانون مدنی اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد.

باید بین غیرقابل اجتناب بودن حادثه و غیرممکن شدن آن تفاوت قایل شد. ممکن است حادثه‌ای غیرقابل اجتناب باشد، اما اجرای تعهد را غیرممکن نسازد و تنها اجرای آن را مشکل سازد. حادثه‌ای معاف‌کننده محسوب می‌شود که علاوه بر سایر شرایط واجد مفهوم قوه قاهره باشد. برابر ماده 229 قانون مدنی حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد باشد سبب معافیت متعهد از مسئولیت قراردادی می‌شود پس حادثه‌ای که متعهد به طور نوعی می‌توانسته از عهده آن برآید یا حداقل از آن دوری جوید، حادثه معاف‌کننده محسوب نمی‌گردد. متعهد بایستی تلاش کند با اتخاذ راه‌حل‌های مناسب از بروز حادثه یا نتایج آن جلوگیری نماید. یعنی از کلیه امکانات مادی و معنوی خود در راه جلوگیری از رخداد حادثه و عدم تأثیر در تعهدات و مسئولی قرارداد بهره جوید.

د- **دفع خارج از حیطه اقتدار:** در ماده‌ی 229 ق.م.آ آمده است: «...دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست.» لذا خارجی بودن حادثه کافی برای رفع مسئولیت متعهد نمی‌باشد. حادثه خارجی در صورتی قوه‌ی قاهره به حساب می‌آید که نتوان آن را خنثی نمود یا از تأثیر آن جلوگیری کرد؛ و الاً هرگاه بتوان جلوی حادثه را گرفت، حادثه، قوه‌ی قاهره به شمار نمی‌رود و اگر با وجود چنین حادثه‌ای متعهد به تعهد خود عمل ننماید، مقصر است و مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد. زیرا دفع حادثه قابل اجتناب از مقدمات انجام تعهد بوده و مانند اجرای تعهد متعهد لازم می‌باشد. (امامی، 1403)



برخی از وصف غیر قابل مقاومت سخن به میان آورده‌اند و گفته‌اند برای این که متعهد بتواند به قوه‌ی قاهره به عنوان عذر موجه استناد کند، باید ثابت نماید که به علت حادثه‌ای که خارج از اختیار وی و غیر قابل مقاومت بوده اجرای تعهد برای او غیر ممکن شده است

استناد به ظاهر ماده‌ی 229 ق.م.منجر به نتایج غیر عادلانه‌ای خواهد شد. زیرا در صورتی که توان متعهد، ملاک قابل دفع بودن یا نبودن حادثه قرار گیرد، در مورد یک تعهد برای شخص توانا تر مسئولیت بیشتری به وجود خواهد آمد. به عبارت دیگر، پذیرش این نظر موجب می‌شود که چنانچه یک تعهد را شخص ضعیفی بر عهده گیرد، مسئولیت کمتری داشته باشد. در حالی که اگر همان تعهد را شخص توانا تر بر عهده گیرد، مسئولیت او بیشتر خواهد بود (شعاریان، 1393)

پس برای پرهیز از چنین بی‌عدالتی باید از ظاهر ماده‌ی 229 ق.م.گذشت. حادثه خارجی در صورت قوه‌ی قاهره، زمانی رافع مسئولیت است که دفع آن توسط انسانی متعارف ممکن نباشد و تنها توانایی شخص متعهد ملاک عمل نباشد. این ملاک نوعی را می‌توان از مواد 386 ق.ت.و 12 قانون مسئولیت مدنی استنباط کرد. چه ماده‌ی 386 ق.ت. مقرر می‌دارد: «اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود. مگر این که ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید...» و در ماده‌ی 12 قانون مسئولیت مدنی نیز آمده است: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر این که محرز شود تمام احتیاط‌هایی را که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نمود به عمل آورده و یا این که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود...» (شعاریان و رحیمی، 1400)

### 3-1-2- در کنوانسیون بیع بین المللی

ماده 79 کنوانسیون در مقام تبیین موضوع عدم امکان اجرای تعهد و آثار آن، مقرر می‌دارد:

**1.** در صورتی یکی از طرفین مسؤول عدم توفیق در ایفاء هر یک از تعهدات خود نخواهد بود که ثابت نماید عدم توفیق وی ناشی از یک مانع خارج از اقتدار او بوده است و اینکه نمی‌توان عرفاً از وی انتظار داشت که [احتمال حدوث] آن مانع را در زمان انعقاد قرارداد ملحوظ داشته یا از آن یا آثار و عواقب آن اجتناب نموده یا آن را رفع کرده باشد.

**2.** اگر عدم توفیق یک طرف ناشی از عدم توفیق شخص ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا بخشی از قرارداد استخدام یا اجیر شده، طرف مزبور فقط در صورتی از مسؤولیت معاف است که:

الف- بموجب پاراگراف فوق از مسؤولیت معاف باشد

ب- شخصی که از طرف وی مسؤول انجام تعهد شده نیز، در صورت اعمال مقررات پاراگراف فوق بر او، از مسؤولیت مبری باشد. (موسی پور، 1397)

**3.** استثناء مقرر در این اصل در جریان دوره‌ای که مانع بقوت خود باقی است مجری خواهد بود.

**4.** طرفی که موفق به ایفاء [تعهد خود] نمی‌گردد مکلف است طی اختطاری حدوث مانع و آثار آن را بر توانایی وی در ایفاء تعهد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه اختطار نسبت به ظرف مدت متعارفی پس از اینکه از حدوث



مانع اطلاع حاصل کرده یا باید از آن اطلاع حاصل می‌کرد، به طرف دیگر نرسد طرفی که توفیق در اجراء پیدا نکرده مسؤول خسارت ناشی از عدم وصول خواهد بود.

5. هیچ یک از مندرجات این اصل مانع طرفین از اعمال هر نوع حق، بجز ادعای خسارت موضوع این کنوانسیون، نخواهد بود.

بعلاوه ماده 80 در تکمیل ماده 79 بیان میدارد:

یک طرف قرارداد نمی‌تواند به عدم توفیق طرف دیگر در ایفاء تعهد، تا حدی که چنان عدم توفیقی ناشی از فعل یا ترک فعل طرف اول باشد استناد کند.

در ادامه به بررسی بندهای 5 گانه ماده 79 و ماده 80 کنوانسیون می‌پردازیم.

**الف- شقوق عدم امکان اجرای تعهد در کنوانسیون:** همانطور که اشاره شد ماده 79 کنوانسیون به موضوع عدم امکان اجرای تعهد در کنوانسیون و آثار آن در بیع بین‌المللی اشاره دارد. پیش از مطالعه این ماده از کنوانسیون باید به یک نکته اشاره کرد و آن اینکه با مراجعه به سایر مواد کنوانسیون مشخص می‌شود که دامنه بحث موارد رفع مسئولیت که در ماده 79 مقرر شده محدود بوده و اموری از قبیل از دست رفتن کالا در حین حمل و نقل، یا کالای معیوب، از شمول آن خارج است و خود تحت مباحث مستقلی در کنوانسیون طرح و تعیین تکلیف گردیده‌اند. با ملاحظه ماده 79 کنوانسیون مشخص می‌شود که به جز دو استثناء فوق، در سایر موارد شمول این ماده با تأسی از رویه نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی وسیع بوده و هر دو طرف قرارداد را شامل شده و در خصوص هر یک از تعهدات ایشان نیز قابل اجرا می‌باشد.

کنوانسیون دو مورد را موجب معافیت از مسئولیت قراردادی دانسته است:

اولاً؛ عدم امکان اجرای تعهد ناشی از حادثه خارجی باشد،

ثانیاً؛ قصور ثالث مانع اجرای تعهد گردد،

لذا به منظور تبیین بهتر موضوع شقوق "عدم امکان اجرای تعهد"، مقرر در کنوانسیون، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**الف- غیرممکن شدن اجرای تعهد در اثر حادثه خارجی**

مطابق ماده 79 کنوانسیون (بند 1) برای اینکه حادثه خارجی موجب معافیت از مسئولیت متعهد گردد باید سه شرط وجود داشته باشد:

الف) حادثه ای که مانع اجرای تعهد شده از اختیار و کنترل متعهد خارج باشد؛

ب) در زمان انعقاد عقد قابل پیش بینی نباشد؛

ج) وقوع، تداوم و یا بروز آثار آن قابل پیش گیری نباشد.

برخی بر این سه عامل عنصر چهارمی هم اضافه کرده اند که همان رابطه علیت میان مانع و عدم اجرای تعهد است؛ ولی در متن حاضر عنصر فوق در بند الف ملحوظ شده و به طور مستقل ذکر نگردیده است. (داراب پور، 1374:

134)

**ب - مفهوم حقوقی مانع:** آنچه در بند 1 ماده 79 به عنوان شرط اساسی رفع مسئولیت عدم اجرای تعهد آمده، آن است که مانعی جلوی اجرا را بگیرد. این مانع می‌تواند مانعی طبیعی باشد، یا مقررات اداری و قانونی و یا حتی وضعیتهای اقتصادی و پولی.

همان طور که وفق بند 1 ماده 79 به شرح پیش گفته اشاره گردید، باید ثابت شود مانع حادثه که سبب عدم اجرای تعهد شده خارج از اختیار و کنترل متعهد بوده، لازم به توضیح است که اثبات این امر به راحتی امکان پذیر نیست و طرفی که ادعای عدم امکان اجرای تعهد را کرده و مدعی عدم مسئولیت خود است، باید اثبات نماید که:

- این مانع خارج از کنترل وی بوده؛

- به طور متعارف این نوع پیش آمد نمی توانسته از ابتدا و در زمان عقد قرارداد پیش بینی شده باشد؛

- و امکان جلوگیری از وقوع آن مانع و یا تداوم وقوع آن، یا رفع آثار آن نیز وجود نداشته است.

لذا اولین شرطی که برای مانع بر شمردیم آن است که خارج از اقتدار متعهد بروز کرده باشد. برای اینکه مفهوم این شرط بهتر معلوم شود باید دید چه چیزی داخل در اقتدار متعهد محسوب می گردد. از آنجا که در قرارداد بیع بین المللی فروشنده ملزم به تحویل کالای موضوع قرارداد بوده و عمل پرداخت توسط خریدار عمدتاً از طریق سیستم بانکی صورت می گیرد، معمولاً منظور از متعهد، همان فروشنده است. بر این اساس باید بگوییم هر عاملی که مربوط به سازماندهی معمول تولیدات از سوی وی و به عبارت دیگر مربوط به حوزه مدیریت وی باشد، داخل در حیطه اقتدار فروشنده محسوب می شود. به عنوان مثال متعهد باید قابلیت های لازم را از نظر پرسنل و تجهیزات فنی داشته باشد و به نحو صحیح آنها را بکار گیرد، پشتوانه مالی لازم برای تضمین تولید فراهم کند. به موقع مواد اولیه را برساند و تا جایی که می تواند مجوز لازم از مقامات دولتی اخذ کند. حال چنانچه در هر یک از موارد فوق قصوری به خرج دهد و در نتیجه اجرای تعهد با مانع برخورد کند، نمی تواند ادعا نماید که امور مزبور خارج از اراده وی بوده و خود را از مسئولیت بری بداند.

دومین شرط آن است که ثابت شود متعهد حادثه را پیش بینی نکرده و نمی توانسته هم پیش بینی کند. البته باید توجه داشت که برخلاف موارد فورس ماژور، در این ماده صریحاً از "قابل پیش بینی نبودن" صحبت نشده است. نکته دیگری که ذکر آن لازم است آنست که در واقع بسیاری از پدیده هایی که می توانند مانع اجرای تعهد شوند "قابل پیش بینی" هستند، اما کسی انتظار ندارد که مورد توجه قرار گیرند.

بنابراین می توان گفت که طراحان کنوانسیون در نحوه تنظیم این شرط روشن بینی به خرج داده اند. آنچه مهم است این است که انتظار وقوع حادثه معقول بوده و عقل متعارف آن را تأیید کند. در مورد مانعی که از قبل از انعقاد قرارداد وجود داشته، باید احراز شود که طرف قرارداد نه از وجود آن اطلاع داشته و نه چنانچه گفتیم می باید از آن اطلاع می داشت. (توسلی جهرمی، 1385)

یکی از تعهدات عمومی طرفین قرارداد آنست که با موانعی که در سر راه اجرای تعهداتشان پدید می آید مقابله کنند. عبارت دیگر از بروز هرگونه مانعی جلوگیری کرده و در صورت بروز نیز نسبت به دفع آن و یا کاهش آثار آن اقدام نمایند. در این خصوص نیز نمی توان معیار روشنی به دست داد و ملاک دید متعارف است.

همانگونه که در مورد ماده 227 و 229 قانون مدنی خودمان اشاره کردیم، به عقیده ما در اینجا نیز همان شرط "خارج از اقتدار" بودن کافی بوده و بیان کننده لزوم عدم وجود رابطه میان عدم اجرا و اراده متعهد می باشد. دو شرط دیگر نیز کامل کننده همین شرط به حساب می آیند.

ب- غیرممکن شدن اجرای تعهد و شخص ثالث: بند 2 ماده 79 کنوانسیون، موردی را پیش بینی می کند که عدم اجرای تعهد به شخص ثالثی منسوب باشد:

" اگر قصور طرف ناشی از قصور شخصی ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد او را بکار گرفته است، طرف مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌باشد که:

الف) به موجب بند پیشین، از مسئولیت معاف باشد؛

ب) متصدی انجام تعهد از جانب او نیز، در صورت اعمال مقررات بند پیشین بر او، از مسئولیت مبری باشد."

همانطور که غالب نویسندگان اشاره می‌کنند، علاوه بر طرفین قرارداد سه گروه اشخاص در اجرای تعهد سهیم اند:

اول- کارکنان طرفین یعنی کسانی که اعمال آنها منسوب به طرفین قرارداد بوده و مجری دستورات آنها هستند.

دوم- کسانی که به موجب قراردادی که با یکی از طرفین بسته اند مقدمات کلی و اولیه انجام امور تجارتي وی را فراهم می‌آورند<sup>4</sup>. (موسی پور، 1388: 65)

از طرف دیگر، اگر کالای موضوع قرارداد در جریان حمل و قبل از انتقال ریسک فرضاً در نتیجه طوفان تلف شود، معافیت فروشنده از مسئولیت محرز است حتی اگر متصدی حمل را به شیوه درستی انتخاب نکرده باشد.

به نظر میرسد قسمت الف ناظر به انتخاب صحیح است. کنوانسیون با وضع این قسمت خواسته است تا در صورت تقصیر ثالث امکان سرایت این تقصیر به طرف قرارداد را گوشزد کرده باشد. در غیر این صورت لزومی نداشت که یکبار دیگر مفاد بند اول را در اینجا نیز تکرار کند. بنابراین علاوه بر اینکه طرف قرارداد باید در مورد عدم اجرای تعهد شخصاً معاف باشد، لازم است که در انتخاب مقاطعه کار جزء نیز قصوری مرتکب نشده باشد. در حقیقت کنوانسیون برای طرف مقابل که از عدم اجرا زیان دیده است این حق را قائل شده که در صورت احراز چنین قصوری بتواند به کارفرما هم رجوع کند.

قسمت ب شرط دیگری هم برای معافیت اجیر کننده افزوده است مبنی بر اینکه فرد اجیر شونده باید به موجب بند 1 از مسئولیت مبری باشد. به این ترتیب برای معافیت طرفین قراردادهای شرایط مندرج در بند 1 ماده 79 کافی نیست. باید خاطر نشان ساخت که شرایط معافیت مقرر در قسمت ب بند 2، صرف نظر از اینکه مقررات کنوانسیون بر روابط طرف استخدام کننده و شخص ثالث حکمفرماست یا نه، برای احراز عدم مسئولیت لحاظ می‌شود. (توسلی، 1385: 79)

بطور کلی، در صورتی که فروشنده، به نحوی شخص ثالثی را درگیر اجرای تعهدات خود نماید، مثلاً تولید کالایی را که به فروش رسانیده به شخص ثالثی به عنوان تولیدکننده واگذار کرده باشد و بعد به علتی شخص ثالث نتواند تعهد خود را انجام دهد و در نتیجه فروشنده نیز قادر به تحویل کالا به خریدار نباشد، براساس بند دوم ماده 79 کنوانسیون در صورتی که فروشنده بتواند اثبات نماید که عدم انجام تعهدات شخص ثالث به علتی که خارج از اقتدار و کنترل او بوده (یعنی اقدام شخص ثالث برای فروشنده حکم قوه قاهره را داشته است) مسئولیتی در مقابل خریدار نخواهد داشت. البته این حکم مشروط بر این است که تمام شرایطی که در بند 1 برای رفع مسئولیت فروشنده آمده در مورد شخص ثالث نیز محقق میشود؛ یعنی شخص ثالث نیز در نتیجه قوه قاهره تعهد خود را انجام نداده باشد. هرگاه به رغم وجود شرایط معافیت از مسئولیت برای شخص ثالث، اقدام او برای فروشنده در حکم قوه قاهره نباشد (شرایط آن را نداشته باشد)، فروشنده در برابر خریدار مسئول است، و شخص ثالث مسئول نیست. به عبارت دیگر طرف اصلی قرارداد باید ثابت نماید که اقدام شخص ثالث واجد کلیه شرایط لازم جهت معافیت از مسئولیت او بوده است؛ در غیر این صورت فرض بر این خواهد بود که مانع غیرقابل پیش بینی و خارج از کنترل او نبوده است. (عادل، 1380: 49)

اگر ثابت شود که سبب عدم اجرای تعهد، خارج از کنترل شخص ثالث نبوده، فروشنده در مقابل خریدار مسئول خسارات بوده و خود نیز می تواند برای جبران این پرداختهایش به شخص ثالث مراجعه کند. این مسئولیت فروشنده نه تنها در مورد کالای تحویل نشده است بلکه ممکن است خسارات تبعی که در اثر تحویل با تأخیر کالا به خریدار وارد می گردد، مثل توقف در تولیدات کارخانه خریدار، را نیز دربر گیرد (ماده 74 کنوانسیون). در مسئولیت فروشنده و شخص ثالث تفاوتی نمی کند که فروشنده شخص ثالث را برای تولید بخشی و یا تمام محصول فروخته شده به کار گیرد، یا اینکه تهیه و تحویل کالا به خریدار را بر عهده او گذارده باشد؛ در هر حال به هیچ وجه نمی توان خریدار را به شخص ثالث ارجاع داد چرا که وی قراردادی با شخص ثالث نداشته و جبران خساراتش از این طریق ناممکن است.

**ج- غیر ممکن شدن اجرای تعهد و قصور متعهدله:** مطابق ماده 80 کنوانسیون هرگاه عدم اجرای تعهدات قراردادی یک طرف قرارداد ناشی از فعل یا ترک فعل طرف مقابل باشد، متضرر نمی تواند به قصور طرف استناد کند و این به معنای معافیت آن طرف از مسئولیت قراردادی است برای اینکه این معافیت تحقق یابد، باید عدم انجام تعهد در اثر فعل یا ترک فعل خود متعهدله باشد و به اصطلاح رابطه سببیت وجود داشته باشد و لازم نیست که وی مرتکب تقصیر هم شده باشد، بلکه صرف وجود رابطه سببیت کافی است؛ مثلاً فروشنده به دلیل خودداری مشتری از انجام تعهدات لازم برای قبض کالا (مطابق ماده 65 کنوانسیون) قادر به اجرای تعهد خود در تسلیم کالا نباشد. لذا میتوان چنین نتیجه گرفت که از باب مسئولیت، متعهدی که بدلیل قصور متعهدله قادر به انجام تعهد نیست، در مقابل وی براءت ذمه دارد. نیز باید اشاره کرد که وفق این ماده فعل یا ترک فعل متعهدله، هر دو ممکن است سبب ایجاد مانع برای انجام تعهد متعهد گردد که از حیث تعیین لزوم فعل یا ترک فعل متعهدله بسته به روابط فی مابین دارد. بدیهی است وقوع شرایط مندرج در بند 1 ماده 79 کنوانسیون در این مورد نیز باید اثبات گردد (اشیدا، 2018).

### 3-2- سایر عوامل موثر در رفع مسئولیت قراردادی

حوادث غیرمترقبه و غیرقابل اجتناب غیرقابل دفع و خارج از اراده متعهد که موجب عدم اجرای تعهد می گردد، موجب معافیت متعهد از مسئولیت است و نباید آن را با دشواری اجرای قراردادها اشتباه گرفت. تردیدی نیست که امکان اجرای قراردادها در هنگام انعقاد عقد ضروری است و در صورت عدم امکان اجرا عقد باطل است اما چنانچه بعد از اجرای عقد در اثر بروز حوادثی اجرای آن غیرممکن شود متعهد از مسئولیت معاف می گردد.

### 3-2-1- در حقوق ایران

غیرممکن شدن اجرای قرارداد در دو صورت ممکن است یکی تعهد قراردادی هنوز به اجرا درنیامده و اجرای تمام بخش ها یا بخشی از آن غیر مقدور است و دیگر آنکه علی رغم شروع اجرای تعهد باقی مانده آن یا بخشی از آن به علت حوادث جدید قابل اجرا نباشد. مثلاً ممکن است متعهد ساختن بخشی از سدی را آغاز نماید و درواسط کار بدلیل بروز حوادث غیرمترقبه از ادامه کار بازماند.

**الف- دگرگونی شرایط اجرای قرارداد:** در قراردادهایی که به قراردادهای مستمر معروف است و اجزای موضوع آن با اجزای زمان محقق می شود، مانند قرارداد عقد اجاره که در آن منافع عین مستاجر در اختیار مستاجر قرار می گیرد یا قراردادهای مقاطعه کاری که بموجب آن پیمانکار متعهد می گردد پروژه موضوع پیمان را در مدت معینی تحویل دهد.

پدیده تغییر اوضاع و احوال ناشی از بروز حوادث خارجی و پیش‌بینی نشده‌ای است که علت اصلی برهم خوردن تعادل قراردادی و تعسر اجرای تعهد به شمار می‌آید. پس تغییر اوضاع و احوال در واقع عامل فرعی است و نقش واسطه را ایفا می‌کند. به طور کلی، علل و عواملی را که باعث دگرگون شدن اوضاع می‌شود، می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

- 1- عوامل طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان‌های سهمگین و گردبادهای سخت
  - 2- عوامل سیاسی نظیر جنگ، انقلاب و شورش مردمی، خرابکاری.
  - 3- عوامل اقتصادی مانند تحریم، اعتصابات کارگری، کم‌کاری.
  - 4- عوامل قانونی مثل وضع مقررات جدید مربوط به محدودیت تجارت خارجی، کنترل ارز، تصمیمات مقامات دولتی در مورد تعیین سهمیه‌های صدور ورود کالا و دستورالعمل‌های ناظر به کسب مجوز صادرات و واردات
  - 5- سایر موارد از قبیل خرابی ماشین‌آلات و تأسیسات کارخانه، انفجار، آتش‌سوزی، شیوع بیماری‌های مسری.
- روشن است که برای ثبوت مسئولیت قراردادی، اراده متعهد بر قبول مسئولیت ضروری است و مطابق قاعده حکمیت اراده در قرارداد و تبعیت عقد از قصد «العقد تابعه للقصود» هرگز نمی‌توان بیش از آنچه در قلمرو پیش‌بینی و اراده طرف قرارداد وارد می‌شود او را متعهد ساخت و وظیفه و باری بر دوش او قرار داد.
- بنابراین هرگاه دگرگونی شرایط نسبت به وضعیت موجود به هنگام قرارداد اجرای آن را به حدی سنگین و پرخرج کند که متعهد هرگز آن را پیش‌بینی نکرده است، نمی‌توان مبنایی حقوقی برای الزام او به اجرای تعهد شناخت. مثلاً پیمانکاری را که در قرارداد متعهد به احداث یک نیروگاه با تهیه لوازم فنی آن می‌شود و بعداً در اثر بحران اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی یا شرایطی روبه‌رو می‌شود که هزینه‌ی اجرای طرح به چند برابر دستمزدی که در قرارداد معین شده است می‌رسد، نمی‌توان ملزم به اجرای قرارداد ساخت (صادقی مقدم، 1395)

**ب- تغییر اوضاع و احوال بر شرایط :** تغییر اوضاع و احوال به معنی دگرگونی شرایط غیرذاتی یا غیرماهیتی قرارداد است که در زمان وقوع عقد مورد توجه و قصد مشترک طرفین می‌باشد و مبنای اصلی ترازوی را تشکیل می‌دهد. به تعبیر دیگر منظور از تغییر اوضاع و احوال صرفاً آن تغییر و دگرگونی است که بر شرایط غیرذاتی و مستقل از ماهیت قرارداد عارض می‌شود. پس تغییرات در شرایط اساسی و ذاتی عقد را که در حقیقت مولود طبیعت معاوضی توافق است مشمول آن نمی‌شود.

قانون مدنی ایران تنها به حوادث خارجی و غیرقابل دفعی که منجر به عدم انجام تعهد از سوی متعهد می‌گردد پرداخته و در مورد دشواری اجرای تعهد و یا به هم خوردن تعادل و توازن قراردادی در اثر حوادث پیش‌بینی نشده سخنی به میان نیاورده است.

در شرایط خارج از ماهیت عقد یا شرایط غیرذاتی، شرایط وابسته به ماهیت عقد یا جزء قیود اصلی تراضی نبوده و تنها از لوازم عرفی یا نوعی قرارداد به شمار می‌رود، به همین جهت فقدان شرایط در زمان تشکیل عقد یا بعد از آن هیچ خللی در ارکان اصلی قرارداد به وجود نمی‌آورد و باعث بطلان معامله نمی‌شود و تنها ممکن است به تعدیل یا فسخ قرارداد منجر شود از جمله شرایط ذاتی یا غیرماهیتی آن می‌توان از شروطی نظیر تعادل نسبی دو عوض، سلامت و عدم نقصان موضوع معامله نام برد. این شرایط اگرچه نوعاً مبنای تراضی را تشکیل می‌دهند و جزء مفاد عقد یا قیود فرعی آن محسوب می‌شوند، ولی برخلاف شرایط ذاتی عقد ممکن است در یک معامله خاص مورد توجه قرار نگیرند و در قلمرو خواست مشترک آنها قرار نگیرد یا عرف و عادت آن معامله مبتنی بر آن نباشد و بدیهی است در چنین

وضعیتی انتفاء یا تغییر شرایط مذکور هیچ گونه تأثیری در نفوذ یا اعتبار این معامله نخواهد داشت. بنابراین تغییر اوضاع و احوال به معنای تحول و دگرگونی شرایط یا قیودی است که در زمان عقد مورد قصد مشترک متعاملین بوده یا بنای تراضی بر حفظ و استمرار آن بوده است.

تغییر اوضاع و احوال در اصل، معلول حوادث غیرمترقبه مثل جنگ، انقلاب، بحران شدید اقتصادی است که به نحوی در قرارداد تأثیر می‌گذارد و انجام آن را مشکل می‌سازد. در واقع علت اصلی تغییر اوضاع و احوال بروز حوادث غیرمنتظره است. از منظر اقتصادی، تغییر اوضاع و احوال تعادل مالی قرارداد و موازنه مالی تعهدات دو طرف را به شدت برهم می‌زند اما از بین رفتن تعادل به حدی نیست که منجر به تعذر یا عدم امکان اجرای قرارداد شود به بیان دیگر تغییر اوضاع و احوال اجرای تعهدات ناشی از عقد را برای متعهد دشوار می‌سازد نه محال. این نظریه صرفاً ناظر به تغییر شرایط اقتصادی حاکم در زمان وقوع عقد است و سایر موارد را بررسی نمی‌کند، اگرچه ممکن است این تغییرات به دلیل شرایط سیاسی و غیره تغییر کرده باشد (پاشاپور حاجی عطالو، 1397)

اکثریت حقوق‌دانان اثر حادثه پیش‌بینی نشده را در سه نظریه ذیل توضیح داده‌اند  
- اثر حقوقی تغییر اوضاع و احوال ابتدا تعدیل مفاد عقد است و در صورت عدم امکان تعدیل فسخ عقد نیز جایز شمرده شده است.

- تغییر اوضاع و احوال صرفاً منجر به تجدید نظر در قرارداد و تعدیل مقررات آن می‌شود.

- تغییر اوضاع و احوال تنها انحلال آن را به همراه دارد.

راه اول که اشاره داشته اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که پیش‌بینی مهلت، حرج متعهد را منتفی سازد بی‌آنکه تاخیر در اجرا باعث بی‌فایده شدن تعهد برای متعهد له گردد و از این باب ضرری متوجه طرف مقابل گردد، مهلتی برای متعهد در نظر گرفته خواهد شد. اگر اوضاع و احوال حاکم بر عقد، به گونه‌ای باشد که تاخیر در اجرا باعث بی‌فایده شدن آن گردد یا متعهد له به آن رضایت ندهد، در این صورت چون امکان تحمیل فشار بر متعهد به استناد قاعده لاجرح وجود ندارد و منشا حرج نیز الزام‌آور بودن عقد است بنابراین حکم وضعی لزوم منتفی خواهد شد، مگر آنکه متعهد له حاضر شود شرایطی را پیشنهاد نماید که عسر و حرج متعهد عرفاً منتفی شود که در این صورت نیز امکان فسخ عقد از بین خواهد رفت در نتیجه تنها در صورتی که امکان فسخ عقد توسط متعهد له وجود خواهد داشت صورت عدم امکان رفع مشقت و عدم رضایت متعهد له بر همکاری در رفع این وضعیت خواهد بود. و به نظر می‌رسد این نظر صحیح است.  
راه حل سومی که به انحلال قرارداد بدون دخالت طرفین اشاره دارد نمی‌تواند درست باشد، زیرا هرچند اجرای مورد قرارداد با شرایط مقرر به هنگام قرارداد، غیرممکن است، لیکن اجرای آن با قبول شرایط جدید، به وسیله متعهد له و آمادگی او برای جبران تغییر شرایط، امکان دارد. چه اینکه اساساً سرنوشت قرارداد وابسته به اراده طرفین آن است و با آمادگی متعهد له برای جبران شرایط سخت حادث و فراهم بودن امکان اجرای قرارداد، موجبی برای انحلال قرارداد نمی‌توان یافت.

تعدیل قرارداد بدون موافقت متعهد له که عهده‌دار جبران شرایط حادث باید شود نیز ممکن نیست. زیرا بدون رضایت او نمی‌توان او را به بیش از آنچه به هنگام تشکیل قرارداد به عهده گرفته است، ملزم ساخت راه دیگر یعنی فسخ قرارداد به وسیله متعهد به استناد دگرگونی غیرقابل پیش‌بینی شرایط قرارداد به زیان او را در صورتی که متعهد له حاضر به جبران شرایط حادث نباشد، باید پذیرفت.

ج- دشواری اجرای قرارداد در قانون مدنی: با توجه به قاعده نفی عسر و حرج، چنانچه حکمی خارج از توانایی فرد نبوده و لیکن انجام آن موجب مشقت شدید و دشواری شدید و حرج غیرمتعارف می گردد و همچنین مبانی قاعده لاضرر اجرای تعهد قراردادی مستلزم ورود ضرر به یکی از طرفین باشد در صورتیکه ضرر گزاف و غیرمتعارف باشد الزام به انجام تعهد برداشته می شود، می توان نتیجه گرفت که قانون گذار ما نظریه تغییر اوضاع و احوال را پذیرفته لذا از آنجا که ماده قانونی که راه حل را در تمامی موارد مشابه به طور دقیق ذکر نماید وجود ندارد، تصویب ماده قانونی صریحی در این زمینه می تواند راهگشا باشد (غمامی و خدادادی، 1394).

د- امکان تعدیل قضایی قرارداد یا فسخ آن: در حقوق خارجی به استناد نظریه دشواری نامتعارف اجرای قرارداد در نتیجه حوادث پیش بینی نشده تحت شرایطی تعدیل در قرارداد را پذیرفته اند. به طوری که در پاره ای از کشورها قانونگذار، کیفیت، حدود و شرایط تعدیل را در قانون آورده است. در حقوق ایران نص قانونی در این زمینه وجود ندارد با وجود این به احترام اصل حاکمیت اراده تراضی طرفین در متن قرارداد یا پس از آن منعی ندارد و زمینه اجرای عادلانه قرارداد را فراهم می کند ولی در صورتی که دو طرف، تعدیل را پیش بینی نکرده باشند و پس از وقوع حادثه پیش بینی نشده نیز نسبت به تعدیل با تفاسخ تراضی نکنند آیا قاضی می تواند با تقاضای یک متعهد به او حق فسخ دهد یا قرارداد را تعدیل کند؟

ممکن است به استناد اصل حاکمیت اراده و اصل لزوم و اصل اجباری بودن قراردادها گفته شود که قاضی چنین اختیاری ندارد و اجرای قرارداد موصوف برای متعهد الزامی است و او نیز حق فسخ ندارد ولی با کمی دقت و واقع بینی و تحلیل بنای تراضی دو طرف و استناد به شرط ضمنی که قرارداد بر پایه آن منعقد می شود راه حل دیگری قابل ارائه به نظر می رسد. بدین بیان که به طور نوعی و در غالب قراردادها دو طرف با در نظر گرفتن شرایط زمان انعقاد آن به توافق می رسند، به طوری که می توان به عنوان یک قاعده در تمامی قراردادهای مستمر معوض شرط بنایی دو طرف را ادامه و استمرار آن شرایط و تغییر متعارف آن دانست. (قاسم زاده، 1401)

با وجود این پذیرفتن تعدیل قضایی در نظام حقوقی ایران مشکل به نظر می رسد زیرا احراز شرط ضمنی برای دادرس امری مشکل است و تجربه نشان می دهد که او از عهده تحلیل درست قرارداد و شرایط دو طرف، علی رغم فقدان نص صریح و رویه قاطع چنان که باید بر نمی آید و اغلب به ظاهر متن قرارداد و شروط صریح استناد می کنند نه شروط ضمنی و ارتکازی.

در این میان برخی از اساتید حقوق در این باره به غبن حادث استناد کرده اند (کاتوزیان، 1384: 102) عسر و حرج را چنان که برخی از فقهای مبنای خیار غبن می دانند مجوز رهایی بی گناه از قید التزام ناخواسته و مشقت بار دانسته اند و به وی حق دادند اند تا عقد ضرری را فسخ کند و گریبان خود را از مصیبتی که دچار شده است نجات بخشد ولی غبن حادث در نظام کنونی حقوق ایران با اصول حقوقی سازگار به نظر نمی رسد. (قاسم زاده، 1401)

### 3-2-1- در کنوانسیون بیع بین المللی

با مطالعه دقیق متن کنوانسیون بیع بین المللی کالا متوجه می شویم که کنوانسیون برخلاف سیستم های حقوقی ملی کشورها از تعسر اجرای تعهد قراردادی صریحا ذکری به عمل نیاورده است. بنابراین در سال های اولیه اجرایی شدن کنوانسیون بیع بین المللی کالا بعضی از کشورها ادعا نمودند که تعسر یا تغییر شرایط قراردادی در این کنوانسیون جایگاهی ندارد. (اسکنزر، 2008)



در برخی از نظرات اینگونه بیان گردیده است که از آنجا که موضوع تغییر شرایط، موضوعی است که صراحتاً توسط کنوانسیون حل نشده، لذا این امر باید با اعمال بند 2 ماده 7 کنوانسیون حل گردد کنوانسیون برای پر کردن شکاف های موجود در آن سیستم روشن و واضحی دارد بند 2 ماده 7 چنین مقرر می کند: « مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آنها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده، بر طبق اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است حل و فصل خواهند شد. (مافی و همکاران، 1394)

مطابق ماده فوق، اگر یک موقعیت حقوقی تحت حاکمیت کنوانسیون باشد اما صراحتاً توسط کنوانسیون تعیین تکلیف نشده باشد آن مسئله و موقعیت باید با ارجاع به اصول کلی که کنوانسیون بر آن استوار است حل گردد.

آنچه که مبین می باشد این است که ماده 79 در بردارنده الفاظ و مفاهیم بسیاری است که می تواند در معانی متفاوت تفسیر شود بنابراین دادگاه ها نقش بسیار مهمی در اعمال و تفسیر این ماده دارا هستند. اگر چه در رابطه با سایر موضوعاتی که در کنوانسیون مقرر شده، رویه قضایی کافی چه از جانب دادگاه های ملی و چه از جانب مراجع داور و وجود دارد، اما در رابطه با شرایط تغییر کرده و تعسر، رویه قضایی هنوز به قدر کافی تثبیت شده نیست تا نتایج مشخصی را نشان دهد اگرچه تمایل و گرایش اکثر صاحب نظران بر این است که ماده 79 در موارد تعسر و دشواری هم قابل اعمال باشد. به عنوان نمونه در پرونده هایی که نوسان قیمت مبنای درخواست معافیت بوده است دادگاه ها ادعاهای مبنی بر معافیت را حتی در موارد تغییر بیش از 100 درصد قیمت توافقی نپذیرفته اند.

**الف- اوصاف لازم برای تحقق تعسر:** بدیهی است که هر حادثه ای را نمی توان موثر در قرارداد دانست و بهانه تجدید نظر یا فسخ و یا مذاکره مجدد در قرارداد دانست. تنها در مواردی می توان به تعسر تمسک جست که تغییرات آنچنان بنیادین و اساسی باشد که از حد متعارف خارج و به طور کلی متفاوت از اوضاع و احوالی باشد که عقد در آن شرایط منعقد شده است. در این صورت باید گفت متعاقدين با محاسبه و توجه به اوضاع و تاحوال زمان عقد به انعقاد قرارداد رضایت داده و خود را ملتزم به آن نموده اند و اگر چنین تغییراتی را آن هم بنیادین و اساسی در ادامه حیات قرارداد و هنگام اجرا تصور می نمودند هرگز تن به چنین قراردادی نمی دادند و به آن ملتزم نمی شدند. (صادقی مقدم، 1390)

در مورد اینکه چه نوع تغییری اساسی تلقی می شود و می تواند به عنوان دشواری مورد استناد قرار گیرد اتفاق نظر وجود ندارد این امر یعنی ارائه ضابطه ای برای تعیین دامنه تغییر و شمول تعسر بر آن و همچنین تمایز این موارد از مصادیق تعسر یکی از بحث برانگیزترین و مشکل ترین مسائل را تشکیل می دهد.

رقم های گوناگونی برای تعیین سقف دشواری ارائه شده است برخی تغییر 50 درصدی را تغییر اساسی محسوب می کنند با این حال تمام تصمیماتی که تحت ماده 79 به موضوع دشواری پرداخته به این نتیجه رسیده اند که حتی کاهش یا افزایش 100 درصد هم کافی نیست. استدلال آنها این است که تغییرات برای فرد یا شرکتی که درگیر تجارت بین المللی است قابل پیش بینی باشد.

## نتیجه

در حقوق ایران قانونگذار به موضوع قوه قاهره اشاره ای نداشته است اما واژگانی وجود دارد که می تواند بیانگر مفهوم آن باشند. با نگاهی به مواد 227 و 229 ق. مدنی می توان به مقصود قانونگذار در مفهوم قوه قاهره پی برد. در ماده 227 قانونگذار علت خارجی را عاملی دانسته که در صورت اثبات توسط متخلف از انجام تعهد، می تواند بار مسئولیت مدنی را از او ساقط نماید. به روشنی مشخص است که عامل خارجی را باید وقایع و رخدادهایی قلمداد نمود که مانع از اجرای تعهدات برای هر انسانی می گردد. در ماده 229 نیز قانونگذار مجدداً به موضوع از منظری دیگر نگرسته است در این ماده خارج از حیطه اختیار یا اراده فرد در دور نمودن حادثه یا اتفاق را به عنوان عامل خارجی معرفی نموده است. که از مصادیق بارز آن می توان به سیل و زلزله اشاره داشت که اصولاً در وقوع چنین امری، امکان اجرای تعهدات از سوی هر انسانی دیگر امکان پذیر نخواهد بود. با این وصف قانونگذار در ماده 378 به موضوع دیگری نیز اشاره داشته است که می توان آن را مفهومی از قوه قاهره در نظر گرفت و آن این است که حتی تا قبل از تسلیم مبیع در صورتی که به جهت اهمال و تقصیر بایع، مبیع مورد تلف واقع گردد، عقد را منفسخ دانسته و بایع را فاقد مسئولیت می شناسد.

اما موضوع رفع مسئولیت از بایع در کنوانسیون بین المللی بیع کالا نیز در ماده 79 مورد اشاره مستقیم قرار گرفته است با این وصف به نظر می رسد که قانونگذار در کنوانسیون به یک تفکیک خاص اقدام نموده به نحوی که ماده 79 را محدود به موارد خاص نموده است و مواردی از قبیل کالای معیوب یا از دست دادن رفتن کالا حین حمل و نقل را در مواد دیگر به صورت مستقل مورد توجه قرار داده است. با این وصف نکته حائز اهمیت این است که قانونگذار در ماده 79 به موضوع فورس ماژور و عدم اراده و اختیار طرفین اعم از بایع و مشتری در اجرای تعهدات با توجه به وقوع وضعیت فوق مورد اشاره قرار داده است. در بیان وجوه اشتراک بین دو نهاد حقوقی باید به این نکته توجه نمود که اصولاً نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی، به موضوع تسلیم بدون نقض تاکید داشته و مفاد قرارداد عقد بیع و تطبیق آن با کالایی که از سوی بایع صورت می پذیرد به عنوان عامل مهم و قابل توجه مورد اشاره واقع شده است. اما نکته ای که در قوانین ایران مغفول مانده و در کنوانسیون بیع بین المللی مورد توجه قرار دار این است که اصولاً تسلیم کالا باید حتی المقدور به صورت بسته بندی صحیح و کامل به خریدار تحویل شود که البته این موضوع مورد توجه در حقوق ایران قرار نداشته مگر طرفین در این خصوص به صورت تاکیدی بر آن توافق نمایند.

در هر دو ساختار حقوقی، موضوع فورس ماژور به عنوان عامل رفع مسئولیت مورد توجه و قبول قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران قانونگذار به موضوع عدم اراده فرد در دفع موضوع فورس ماژور ر ملاک عمل قرار داده است این موضوع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما نکته افتراق در این است که قانونگذار در نظام حقوقی ایران تلاش نموده، موضوع خارج از توان و قابلیت انسانی را در این خصوص مورد توجه قرار دهد. اما در کنوانسیون بیع بین المللی، برخی مصادیق را همچون اتلاف کالا قبل از تسلیم را از حوزه شمول ماده مربوط به فورس ماژور دور دانسته و به آن به عنوانی دیگر پرداخته است. در حالی که در نظام حقوقی ایران، در حوزه شمول فورس ماژور قرار گرفته اند.

## منابع

- اسماعیلی، محسن، (1381)، قوه قاهره، تهران نشر سروش
- امامی، سید حسن، (1403)، حقوق مدنی، ج. اول، انتشارات اسلامی
- ایزائلو، محسن، (1393)، شروط محدود کننده و ساقط کننده مسئولیت در قراردادها، تهران نشر سهامی انتشار.
- پاشاپور حاجی عطالو، قدیر، (1397) درآمدی بر اصل اوضاع و احوال در رابطه با اعتبار معاهدات، تهران نشر سنجش و دانش
- توسلی جهرمی، منوچهر، (1385)، موارد رفع مسئولیت قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی و حقوق تطبیقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره 72
- خویی، سید ابوالقاسم، (1412)، مصباح الفقاهه، قم نشر انصاریان
- سماواتی، حشمت ا...، (1400)، خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق ایران و نظام های حقوقی دیگر، ج اول، تهران انتشارات خط سوم
- شعاریان، ابراهیم و رحیمی. فرشاد، (1400)، حقوق بیع بین المللی، تهران انتشارات شهر دانش
- شعاریان، ابراهیم، (1393)، جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره 54
- صادقی مقدم، محمد حسن، (1395)، تغییر در شرایط قرارداد، تهران نشر راهنما.
- صادقی مقدم، محمد حسن، (1390)، تغییر در شرایط قرارداد، نشر میزان چاپ سوم
- صفایی، سید حسین، (1389)، قوه قاهره یا فورس ماژور، مجله انتشارات حقوقی بین المللی. تهران.
- صفایی، سید حسین، (1401)، حقوق بیع بین الملل، تهران نشر دانشگاه تهران
- غمامی. مجید و خدادادی حسین. (1394)، دشوار شدن اجرای قرارداد و اثر آن، تهران نشر مجد.
- قاسم زاده، سیدمرتضی، (1390)، قراردادها و تعهدات، تهران نشر دادگستر
- کیایی، عبدالله، (1376)، التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله، نشر ققنوس
- کاتوزیان، ناصر، (1402)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر علم
- مافی. همایون، رامشی. میثم، باقری. علی، (1394)، تعسر اجرای تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، فصلنامه پژوهش
- موسی پور، هانیه، (1397)، ناممکن شدن اجرای تعهد در حقوق ایران و بیع بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مازندران
- Allison E. Butler, —A Practical Guide to The CISG: Negotiations Through Litigation,|| Aspen Publishers. P.56 (2007 Supplement 2). © Author. Reproduced with permission, Chapter 3 Formation of Contract. Retrieved 13 November 2015 from <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/butler6-ch3.pdf>
- Cisg.law.pace.edu., (2015). *Electronic Library on International Commercial Law and the CISG*. Retrieved 29 September 2015, from <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/anyamele.html>
- Ishida, Y. (2017). CISG Article 79: Exemption of Performance, and Adaptation of Contract Through Interpretation of Reasonableness-full of sound and fury, but signifying something. *Pace Int'l L. Rev.*, 30, 331.

Schelchtriem & Schwenzer (2010). *Commentary on the United Nations Convention on the International Sale of Goods* (third edition) New York, Oxford University press. P.456-458

Schwenzer ,Ingeborg, "Force Majeure and Hardship in International Sales Contract",2008 , available in: [www.austlii.edu.au/nz/journals/VUWLawRw/](http://www.austlii.edu.au/nz/journals/VUWLawRw/)